

بشر

در آستانه فصل گرسنگی

همه روزه قیمت مواد غذایی مورد نیاز مردم افزایش می یابد، صدها میلیون انسان زحمتکش در سراسر جهان به مواد غذایی دسترسی ندارند، روزی نیست که هزارها انسان از اثر فقر، گرسنه گی و تشنه گی جانهای خویش را از دست ندهند، مبارزه برای بدست آوردن یک وقت نان به ویژه در کشورهای پیرامون شدت بیشتر گرفته و بحران فاجعه بار و فزاینده مواد غذایی با تمام عمق آن نمایان گردیده است.

بحران مواد غذایی در زمانی در حال گسترش است که اغلب کشورها با بحران پیچیده تر رو به افزایش بیکاری، تورم و گرانی رو به رو هستند. این بحران در واقع تداعی کننده بحران سوم در جهان است.

اکنون جهان ما با سه بحران عمده رو به رو است: بحران بازار های مالی در امریکا و به تبع آن بحران در بازار های مالی جهان، بحران انرژی و بحران مواد غذایی.

آنچه روشن است این که، بحران قحطی و گرسنه گی کنونی که پیامد گلوبالیزم سده بیست و یکم به شمار میرود، به تناسب بحرانهای قبلی عمیق تر و متفاوت است.

سازمان ملل متحد هوشدار میدهد که هرگاه جلو گسترش قحطی و گرسنه گی گرفته نشود این موضوع میتواند ثبات سیاسی دولتهای جهان را متزلزل سازد.

انفجارهای اجتماعی در کشورهای پیرامون به هیچ وجه زنده گی مرفه کشورهای پیشرفته صنعتی را راحت نخواهد گذاشت، زمین لرزه های اجتماعی و طغیان های گرسنه گان و فقرا، دامن دنیای سرمایه را آتش خواهد زد.

بحران فاجعه آفرین کنونی، که عمدتاً مولود سیاستهای لجام گیسخته و سود جویانه نظام سرمایه داری جهانی است، بر جهان ما بار دیگر فاجعه عمیق انسانی را تحمیل میدارد.

نهادهای مالی دنیای سرمایه، از جمله بانک جهانی، نسبت به رشد بی رویه قیمت‌های مواد غذایی در سطح جهان، هوشدار داد و ادامه این روند را موجب رشد تورم در کشورهای مختلف و گسترش فقر عنوان کرد. رئیس صندوق بین‌المللی پول که در یک کنفرانس مطبوعاتی در پایان اجلاس مشترک بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در واشنگتن سخن می‌گفت، بر این امر تأکید کرد که "اگر قیمت‌های مواد خوراکی به همین گرانی بماند، ممکن است مردمان بسیاری از کشورها با عواقب وحشتناکی مواجه شوند. صدها هزار تن از گرسنه‌گی بمیرند، کودکان دچار سوء تغذیه گردیده و احتمالاً تمام دستاورد های کشورهای فقیر به منظور رشد اقتصادی آنها نابود گردد. این حالت، خطر بی‌ثباتی سیاسی و دموکراسی را نیز در پی خواهد داشت."

"دومینینگ اشتراوس-کان" رئیس صندوق بین‌المللی پول در مورد بالا رفتن قیمت مواد غذایی در سرتاسر جهان هشدار داده است. به گفته او این امر، افزون بر داشتن پیامدهای اجتماعی - اقتصادی، روند پیشرفت "دموکراسی" را نیز به خطر می‌اندازد.

در عین حال احصائیه‌های اخیر نشان می‌دهد که از هر هفت نفر جمعیت جهان، یک نفر گرسنه می‌خواهد، همین اکنون به اساس گزارش‌های نهاد های مالی جهانی، ۸۵۰ میلیون انسان در سطح جهان، مواد غذایی کافی برای خوردن ندارند. طی سه سال اخیر قیمت، گندم و برنج نزدیک به دو برابر شده است.

به گفته رئیس بانک جهانی "در حال حاضر دو میلیارد نفر در سطح جهان با مشکلات ناشی از افزایش سریع بهای مواد غذایی دست به گریبان هستند و یکصد میلیون نفر در کشورهای فقیر با خطر قحطی و گرسنه‌گی مواجه شده است."

بانک جهانی هشدار می‌دهد که روند صعود قیمت‌های مواد غذایی در سطح بین‌المللی ادامه دارد و در سال جاری تشدید هم خواهد گردید. قیمت گندم صادراتی امریکا از هر تن ۳۷۵ دالر در جنوری ۲۰۰۸، به بیشتر از ۴۰۰ دالر در ماه مارچ همین سال افزایش پیدا کرده است و برنج صادراتی تایلند نیز از هر تن ۳۶۵ دالر به ۵۶۲ دالر رسیده است.

سازمان مواد غذایی و کشاورزی ملل متحد تخمین نموده که تا سال ۲۰۳۰ تقاضا به مواد غذایی حدود ۶۰ درصد افزایش پیدا مینماید.

در سال ۲۰۰۷ با توجه به گران شدن مواد غذایی در سطح جهان هزینه واردات غذا در کشورهای در حال توسعه به صورت بی سابقه تا ۲۵ فیصد افزایش یافت. بهای گندم به بالاترین سطح در ۲۸ سال گذشته رسیده است. بر اساس گزارش "سازمان غذا و کشاورزی امریکا"، مقدار ذخایر جهانی غله امسال (۲۰۰۸) به پایین ترین سطح از سال ۱۹۸۲ خواهد رسید. این بدین معنا است که در شرایط کنونی به نظر نمی‌رسد قیمت‌ها به زودی پایین بیایند.

دولت امریکا ۷۷۰ میلیون دلار را به منظور مقابله با بحران کمبود مواد غذایی به هدف جلوگیری از بروز نا آرامیهای خشونت آمیز گرسنه گان در جهان اختصاص داده است. این تصمیم بیانگر آن است که امریکا رهبری "مبارزه با گرسنه گی" را تا سالها به عهده خواهد داشت، یعنی که تا سالهای دیگر به گسترش فقر و لشکر گرسنه گان افزایش به عمل می آید.

بانک جهانی خطر بروز نا آرامی های خشونت آمیز را در ۳۳ کشور گوشزد کرده است، به همین دلیل هم بانک جهانی و هم صندوق بین المللی پول از کشورهای ثروتمند خواسته اند تا برای کاستن از این بار گرانی که بر دوش کشورهای فقیر است، کمک مالی کند.

به گفته بانک جهانی در سه سال اخیر، بهای مواد غذایی در سطح جهان تقریباً سه برابر شده، این وضع باعث شورش و نا آرامی در برخی از کشورهای فقیر جهان گردیده است.

همین اکنون نشانه های از نارضایتی گسترده مردم در سرتا سر جهان نمودار است. گرانی مواد غذایی در چندین کشور موجب شورش شده. در مصر ممکن است انقلاب گرسنه گان شعله ور گردد. به اساس گزارش بانک جهانی، سی میلیون نفر از جمعیت مصر ناچاراند با یک یورو و سی سنت درآمد در روز، زنده گی کنند. مردم آنکشور به اعتراض به افزایش قیمت مواد خوراکی به نشانه "سوگواری برای آینده کشور" روز یکشنبه ۵ می (۲۰۰۸) لباس سیاه پوشیدند.

صعود سرسام آور قیمت مواد غذایی باعث آن گردیده تا اغلب دولتهای جهان اقدامات اضطراری را روی دست گیرند. در قاهره، ارتش از ناوایی ها در برابر هجوم گرسنه گان محافظت میکند، در پاکستان کارتهای سهمیه بندی باردیگر طی بیست سال اخیر در

اختیار مردم قرار گرفته است، روسیه قیمت نان، روغن، تخم مرغ و شیر را تثبیت کرده و تحت کنترل قرار داده، اندونزی با تجدید نظر در بودجه سال ۲۰۰۸ خویش، یارانه یا سبسایدی مواد غذایی را بیش از ۲۸۰ میلیون دالر افزایش داد است، در چین، مصر، کامبوج و ویتنام صادرات محصولات کشاورزی به شدت کنترل میشود.

در واکنش به شورشها و اعتراض های گسترده گرسنه گان که از اثر افزایش بی سابقه بهای مواد غذایی در جهان جریان دارد، اجلاس سران کشورها از طرف سازمان مواد غذایی و کشاورزی جهان بتاريخ سه جون ۲۰۰۸ در ایتالیا گشایش یافت. "ژوزت شیران" (رئیس) سازمان مواد غذایی جهانی، در یک کنفرانس خبری در این اجلاس اعلام کرد که، " اگر فوراً اقدام بین المللی نشود میزان فقر جهانی دو برابر خواهد شد". همچنان رئیس بانک جهانی گفت "جهان با فاجعه زائیده بشر و نه طبیعت مواجه است".

سازمان جهانی مواد غذایی و کشاورزی به منظور جلوگیری از فاجعه انسانی و فرونشانی اعتراضات گسترده گرسنه گان "محکوم به مرگ"، اعلام نمود که یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دالر برای کمک به شصت کشور جهان که به دلیل افزایش بهای مواد غذایی با دشواری مواجه اند، اختصاص داده است. ولی ابعاد فاجعه بالاتر از آن است که با این مبلغ کاری را پیش برد. سرمنشی سازمان ملل متحد، در همین نشست گفت که "برای حل این بحران حد اقل سالانه به ۲۰ تا ۳۰ میلیارد دالر نیاز دارد". گرچه رهبران ۱۸۱ کشور جهان در پایان این اجلاس نتیجه گیری نمودند که تولید جهانی مواد غذایی باید تا سال ۲۰۳۰ دو برابر شده و کشاورزان در کشورهای فقیر بیشتر مورد حمایت قرار گیرند، ولی بیانیه پایانی اجلاس فاقد پیشنهاد های ملموس بوده هیچ نوع تعهد مالی قابل سنجش به ویژه برای کشورهای فقیر به غیر از تعهدات سازمان مواد غذایی و کشاورزی جهانی وجود ندارد.

از دید اغلب تحلیل گران اقتصادی، کمبود مواد غذایی و افزایش قیمت آن، یک بحران کوتاه مدت و زود گذرا نیست، بلکه این مشکل دراز مدت و ریشه دار است.

"اشتاین بروگ" وزیرمالیه المان می گوید: "نمیتوان این بحران را یک پدیده گذرا دانست، زیرا کمبود مواد غذایی این ظرفیت را دارد که به مشکل اساسی با ابعاد گسترده در زنده گی کشور های در حال توسعه و جهان سوم تبدیل گردد."

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد جلسه اضطراری را در ژنیو (ماه جون ۸ ۲۰۰) تشکیل داد تا بحران ناشی از افزایش بهای مواد غذایی را بررسی کند به گفته این نهاد، " گرانی مواد غذایی به معنای آن است که افراد کم درآمد، به خصوص در کشورهای فقیر جهان، از یکی از اساسی ترین حقوق خود، یعنی دسترسی به خوراک کافی، محروم می شوند."

به گزارش " اکشن اید " که یک گروه مبارزه با فقر در افریقای جنوبی است، بحران کنونی گرانی مواد غذایی، یک نقض آشکار حقوق بشر است، زیرا بسیاری از کشورهای فقیر، به خصوص آنهایی که وارد کننده مواد غذایی هستند، به سختی میتوانند شهروندان خود را سیر کنند."

جالب این است که سازمان جهانی غذا، به عوض آنکه برای نجات جان میلیونها انسان مظلوم جهان که نسبت عدم دسترسی به مواد خوراکی کافی بین مرگ و زنده گی قرا داده شده اند، اقدامات فوری اضطراری را روی دست گیرد، توصیه مینماید که " مصرف کننده گان باید روش صرفه جویی را در پیش گیرند". این توصیه برای کشورهای فقیر و در حال توسعه خیلی ها مضحک به نظر میرسد، برای میلیارد ها انسانی که غذای بخور و نه میر دارند، آیا امکان صرفه جویی اضافی وجود دارد؟ بدون شک نی. سازمان ملل تخمین زده است که "هر روز بیش از هشتصد میلیون نفر در جهان به دلیل فقر و عدم دسترسی به مواد غذایی، گرسنه می مانند و شرایط کنونی میتواند باعث افزایش تعداد این افراد شود. "سازمان مواد غذایی جهانی در یک اطلاعیه که در جون ۲۰۰۸ به نشر رسانیده هشدار داده که ، "دوره دسترسی به مواد غذایی ارزان در جهان سپری شده است. فشار تقاضا مانع از آن خواهد شد که این قیمتها کاهش یابد. انتظار می رود، استفاده از برخی انواع غلات برای تولید سوختهای زیستی، باعث پیشی گرفتن تقاضا از عرضه این اقلام و گرانی آنها شود "

سیاست گذاران و کارشناسان متعلق به جهان سرمایه، عوامل متعددی را برای افزایش قیمت های جهانی مواد غذایی و کاهش عرضه محصولات زراعتی برشمردند و از آن جمله بیشتر به رشد تقاضای هند، چین و سایر کشورهای در حال توسعه، افزایش قیمت سوخت و مصارف کودهای کمیایی، تغییرات اقلیمی و تولید انرژی از محصولات زراعتی تاکید نموده اند. آنچه که در تحلیلهای آنها به چشم نمیخورد و از آن اغماض نموده اند ،

نا کارآیی، ناتوانی و شکست بازار آزاد در حل بحران مواد غذایی است. طی سالهای اخیر، آزاد سازی بخش کشاورزی، تضعیف و از بین رفتن مؤسسات و سازمانهای دولتی، (مربوط به عرصه های تولید، بازاریابی، توزیع و صادرات تخصصی محصولات کشاورزی) از سوی کشور های پیرامون مطابق پالیسیها، و حمایت نهاد های مالی- تجاری بین المللی مربوط به دنیای سرمایه و کشورهای توسعه یافته، باعث گردیده تا امنیت غذایی و ثبات اقتصادی کشور های فقیر با تهدید جدی رو به رو گردد.

از بین بردن موانع تعرفه ای براساس سیاستهای سازمان تجارت جهانی و فشارکشور های پیشرفته سرمایه داری این امکان را برای کشورهای توسعه یافته سرمایه داری فراهم کرده تا بازار های کشور های درحال توسعه را از صادر کننده گان محصولات زراعتی و مالداري به وارد کننده گان مواد غذایی تبدیل نمایند.

این واقعیت را ارقام و احصائیه های منتشره نهاد های مالی بین المللی با وضاحت بیان میدارد. چنانچه در دهه ۱۹۷۰ بیلانس تجارت مواد غذایی کشور های درحال توسعه مازاد یک میلیارد دالر را نشان میداد، در سال ۲۰۰۱ بیلانس مذکور به کسر ۱۱ میلیارد دالری تبدیل گردیده است.

در دهه ۹۰ میلادی کشور اندونزیا موافقت نامه "گات" را امضا کرد که نتیجه آن کاهش دخالت دولت در تولید و تجارت مواد غذایی و محصولات کشاورزی شد، از برکت این موافقتنامه تا پایان دهه ۹۰ این کشور به یکی از بزرگترین وارد کننده گان برنج تبدیل شده است.

"آزاد سازی تجاری" در واقع راهکاریست برای کاهش سیاستهای حمایتی امریکا و اروپا، از بخش کشاورزی و کاهش سبسایدی (یارانه های پرداختی) به این بخش.

سازمان جهانی مواد غذایی (فائو) بر ماهیت پالیسی آزاد سازی تجاری انگشت گذاشته در گزارش اخیر خود به گونه مثال به تأثیرات منفی کاهش تعرفه های بخش کشاورزی بر اقتصاد کشور های افریقایی اشاره میکند.

"در سنیگال کاهش ۲۵ درصد تعرفه ها موجب رشد شش برابر واردات مرغ شد. در این کشور رشد واردات ماکیان (مرغ) از اروپا موجب از بین رفتن ۷۰ درصد صنعت

مرغداری این کشور شده است. وقتی کشور غنا با فشار بانگ جهانی، تعرفه واردات برنج را از ۱۰۰ فیصد به ۲۰ فیصد کاهش داد، واردات برنج این کشور از ۲۵۰ هزار تن در سال ۱۹۹۸ به بیشتر از ۴۱۵۱۵۰ تن در سال ۲۰۰۳ افزایش یافت. برنج داخلی که در سال ۲۰۰۰ بیش از ۴۳ درصد نیاز مردم این کشور را تأمین می کرد به کمتر از ۲۹ درصد در سال ۲۰۰۳ رسیده است. در موزامبیک، واردات روغن نباتی طی سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ بیش از ۵ برابر شده است. تولید داخلی روغن نباتی در این کشور از ۲۱ هزار تن در سال ۱۹۸۱ به کمتر از ۳۵۰۰ تن در سال ۲۰۰۲ کاهش یافته است."

به صورت عموم واردات محصولات کشاورزی و مواد غذایی اثر منفی زیادی بر کشورهای در حال توسعه داشته است. افزایش واردات در این کشورها موجب از بین رفتن بازار محصولات داخلی و افت چشمگیر تولید و اشتغال داخلی در این کشورها شده است، کشورهای که طی سالهای اخیر به شدت به واردات و مساعدتهای غذایی بین المللی متکی گردیده بودند، هم اکنون با بحران شدید کمبود مواد غذایی روبرو هستند، امریکا و اروپا با تعقیب پالیسیهای سود جویانه خویش با اتخاذ سیاست تولید انرژی از محصولات کشاورزی، بحران جاری جهانی مواد غذایی را تشدید میکنند.

مزید بر ناتوانی و ناکارایی اقتصاد جهانی سرمایه داری، (بنابر ماهیت سرشتی سود جویانه آن) در حل ریشه یی بحران مواد غذایی و جلوگیری از صعود سرسام آور قیمتتهای جهانی مواد غذایی و گسترش فقر و بیکاری، بحران مواد غذایی جاری جهانی در واقع برآیند چندین عامل دیگری نیز است، که تحلیل و بررسی آنها در این مختصر مقدور نیست، ولی به صورت مؤجز میتوان گفت که:

- سیاستهای نهادهای مالی و تجارتي جهانی متعلق به "نظام نوین جهانی سرمایه داری" به ویژه بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی، خود عامل بحران جهانی غذا بوده اند، چنانچه مدیر صندوق بین المللی توسعه کشاورزی "ژاک دبوفا" میگوید: "سیاستهای بانک جهانی برای ساختار اقتصادی کشورهای فقیر در خلال چند سال اخیر باعث شده تا ترتیباتی که پیش از این برای حمایت از کشاورزان برای کشورهای جهان سوم به خصوص افریقا ایجاد شده بود از میان برود، بانک جهانی اینک به اشتباه خود پی برده و در صدد تغییر سیاستهای خود در آفریقا برآمده."

از اثر این سیاستها و در نتیجه رشد نا متوازن اقتصاد جهانی و لیبرالیزاسیون بازارها از طریق نهاد های مالی جهانی از جمله سازمان تجارت جهانی، و گسترش فزاینده جهانی شدن اقتصاد، تمایل شدید مؤلدين کشاورزی کشور های پیرامونی زیر تأثیر روشهای اغواگرانه کانسرنهای بزرگ انرژی، به سوی فرآورده های جلب گردیدند که در گام نخست از منفعتهای بزرگ موقتی و آنی بر خوردار بوده ولی در اصل در عرصه اقتصادی - اجتماعی و محیط زیستی بحران آفرین بوده است.

- عدم تناسب تولید محصولات زراعتی با رشد ۷۵ میلیونی جمعیت جهان در هر سال) رشد جمعیت جهان تا نیمه قرن فعلی احتمالاً به بالای ۹ میلیارد برسد) عامل دیگری است، رشد جمعیت فشار زیادی را روی منابع از جمله آب، خاک، نفت، و عمدتاً منابع مواد غذایی وارد نموده است، این فشار با تشدید تمرکز ثروت و معرفت بدست اقشار بالایی جوامع هر روز بیشتر میگردد، مزید بر آن، نه تنها متناسب با رشد جمعیت، محصولات زراعتی افزایش نمی یابد، بلکه بخش قابل توجهی از آن نیز در اثر آفات طبیعی و عوامل اجتماعی از بین میرود.

- بحران انرژی به ویژه بالا بودن قیمت نفت که موجب ازدیاد مصارف تمام شد محصولات زراعتی گردیده یکی از فکتور های صعود قیمت مواد خوراکی بوده که از اثر آن بحران مواد غذایی در جهان تشدید گردیده و در وضعیت کنونی به یکی از عوامل ظهور بحران غذایی در مقیاس جهان تبدیل شده است.

- رشد تولید سوختهای بیولوژیکی یعنی سوختهای که از مواد غذایی از جمله غلات تولید میشود، نیز باعث افزایش قیمت مواد غذایی شده است. نگرانیها نسبت به قیمت نفت، امنیت انرژی و تغییرات آلوده گی آب و هوا، موجب شده دولتها، تولید سوختهای محیطی را افزایش دهند. این مسأله در افزایش تقاضا برای محصولات زراعتی به ویژه غله جات نقش داشته و یکی از فکتورهای ازدیاد سطح قیمت شمرده میشود.

صندوق بین المللی پول در گزارشی زیر عنوان "چشم انداز اقتصادی جهان در سال ۲۰۰۸" اعلام کرد. "تولید انرژیهای جدید عامل اصلی رشد ۵۰ فیصد مصرف مواد غذایی طی سال ۲۰۰۶ - ۲۰۰۷ به شمار میرود. افزایش تولید انرژیهای جدید در امریکا و اتحادیه اروپا، موجب رشد تقاضای دانه های روغنی و غله جات شده است. گرچه

انرژیهای تولیدی از محصولات کشاورزی تنها ۱.۵ درصد کل سوخت مایع جهان را تشکیل میدهد ولی بیش از ۵۰ فیصد رشد مصرف کشاورزی را طی سالهای مذکور در بر داشته است."

فعالان اجتماعی در جهان تبدیل مقدار زیاد از محصولات کشاورزی مانند جواری "ذرب" را به سوختهای زیستی عامل افزایش بهای این کالاها در بازارهای جهانی میدانند. آنها خواستار منع به کارگیری زمینهای حاصل خیز کشاورزی برای تهیه سوختهای گیاهی هستند.

امریکا قصد دارد تا سال ۲۰۲۲ یک چهارم محصولات جواری خود را به تولید اتاتول به عنوان جایگزینی برای سوختهای فسیلی اختصاص دهد.

افزایش تقاضا برای مواد غذایی در کشورهای در حال توسعه از جمله چین و هند که ناشی از رشد اقتصادی این کشورها پنداشته میشود یکی از عوامل ثانوی افزایش قیمت مواد غذایی در جهان میتواند عنوان شود. ولی مقامات امریکایی برای پوشانیدن تأثیرات تولید انرژیهای جدید از محصولات کشاورزی، بیشتر عامل افزایش تقاضا در کشورهای در حال توسعه را به حیث عامل اساسی برجسته میسازند. چنانچه بوش رئیس جمهور امریکا اخیراً اظهار نمود که "تقاضای روز افزون طبقه متوسط جامعه هند که در حال توسعه میباشند باعث بلند رفتن قابل توجه قیمت غله جات شده است". وزیر دفاع هند این تبصره ها را "یک شوخی بیرحمانه" خوانده و گفته است که "این سیاست ایالات متحده به شمول استفاده از مواد سوخت نباتی، مسئول بحرانهای مواد خوراکی است". یکی از رهبران بلند پایه حزب کمونیست هند ادعا کرده است که "رئیس جمهور ایالات متحده امریکا" عقل خود را از دست داده است "همچنان به قول یکی از آژانسهای خبر رسانی جهان (صدای امریکا - ۵،۵،۲۰۰۸)" معاون ریاست جمهور هند از آقای بوش به خاطر مساعی او بحیث "مفتش نان" علاوه بر داشتن لقب "مفتش بم" انتقاد نموده است."

افزایش قیمتتهای مواد غذایی در سطح جهان، مردم افغانستان را بیشتر از هر کشور دیگر در وضعیت بدی قرار داده است.

افغانستان اساساً یک کشور وارداتی و دارای اقتصاد بسیار ضعیف استهلاکی می باشد که سکتور صنایع آن (دولتی و خصوصی) ناکام ترین بخش اقتصاد تولیدی را تشکیل میدهد. رژیم غذایی کشور به شدت به غله جات و محصولات کشاورزی و مالداري وابسته است. بنابراین افزایش قیمت‌های مواد غذایی نه تنها افراد فقیر و تهی دستان بل افرادی با درآمد متوسط را نیز تحت تاثیر قرار داده است .

از این دید، فقر، گرسنه گی و قحطی موجود در کشور پدیدهٔ چند بعدی است، که عوامل آنرا باید در مسلط بودن نظام‌های اقتصادی - اجتماعی عقبمانده، ساختارهای جغرافیایی و طبیعی کشور، نفوذ استعمار و تأثیرات سیاست‌های توسعه طلبانه و تسلط جویانهٔ " نظام نوین جهانی " و نهاد های مالی و تجاری متعلق به آن جستجو کرد.

علی رغم ادعا های دولت امریکا و متحدینش مبنی بر تبدیل افغانستان به کشور متمدن و با وجود سرازیر شدن میلیارد ها دالر زیر عنوان توسعه و بازسازی، هم اکنون این کشور با بحران شدید مواد غذایی، قحطی، فقر گسترده و بیکاری مزمن مواجه میباشد.

با آنکه مبالغ هنگفتی از جانب کشور های جهان و نهاد های غیر دولتی برای تأمین امنیت، ترقی اجتماعی، رشد اقتصادی، انکشاف فرهنگی و برقراری "دموکراسی" و "تأمین (تأمین) عدالت اجتماعی" در افغانستان، عنوان گردیده است ولی عملاً هر روز گروه گروه از مردم مظلوم کشور از گرسنه گی، بی سرپناهی، نبود خدمات صحتی و بد امنی به هلاکت میرسند.

امروز مردم دیگر ثمرهٔ تلخ و فرجام ناکام و فاجعه آمیز حاکمیت مافیایی (قاچاقبران، غاصبان، غارتگران، کارتل‌های مواد مخدر و سلاح و استثمارگران) تحت حمایت امریکا و متحدینش را مشاهده مینمایند و دیگر میبینند که همه امید های کذایی که برای آنها ایجاد گردیده بود به یأس و ناامیدی تبدیل گردیده است .

بحران مواد غذایی جهانی وضعیت ناگواری را برای افغانستان ایجاد نموده است، سالهای طولانی جنگ، تخریب شبکه های آبیاری، خشک سالیها، اختصاص زمینهای زراعتی برای کشت خاشخاش، غضب زمین های زراعتی کشاورزان کم زمین و اراضی زراعتی دولتی به وسیلهٔ زورمندان، نابودی فارمهای میکانیزهٔ دولتی (تولیدی و ترویجی - تکثیری) ایجاد موانع در برابر جنبش کوپراتیفی (کوپراتیفهای تولیدی و خدمات

زراعتی)، نبود فعالیت منظم خدمات زراعتی و تخنیکي از جانب دولت به کشاورزان، عدم تادیبه کریدت های زراعتی، ورشکسته گی مؤلدين محصولات زراعتی در نتیجه سیاستهای لجام گسیخته "بازار آزاد"، وابستگی کشور به کشور های همسایه و ایجاد موانع در راه تجارت آزاد مواد غذایی و محصولات زراعتی از طرف آنها به ویژه پاکستان، احتکار مواد غذایی در داخل کشور، بالا رفتن قیمت مواد غذایی در جهان، نبود ذخایر استراتیژیک دولتی، افزایش جمعیت، بد امنی و جنگ و عدم توجه و بی کفایتی اداره دولتی در حل پی آمد های این بحران، وضعیت بدی را برای مردم فراهم آورده است.

عدم مهارت های مسلکی، کمبود معرفت با مسایل عدیده اقتصادی کشور به ویژه سکتور زراعت، عدم درک ماهیت، اهمیت و درجه اولویت مسایل اساسی و پایه یی رشد و انکشاف جامعه و پرابلمهای پیچیده اقتصاد داخلی و خارجی، پیشکش نمون و به کارگیری مدلهای توصیه شده نهاد های مالی و تجاری وابسته به " نظام نوین جهانی" بدون در نظر داشت درجه تکامل اقتصادی- اجتماعی مرحله جاری کشور، نه تنها به بی کفایتی و نا کارآ بودن اداره دولت موجود افزوده است، بل کشور را به طرف فقر و محرومیت اقتصادی سوق داده است.

دستگاه دولتی تا گلو در فساد اداری - اقتصادی غرق است، نه پلان هماهنگ علمی قابل تطبیق وجود دارد و نه عملکرد سیاسی مدبرانه، راهکار های این دستگاه فساد همه، روزمره گی، غیرکارشناسانه، معامله گرانه و منفعت جویانه است. " سیاست فقر زدایی" در روش و پالیسی های جاری اقتصادی دولت موجود اصلاً دیده نمیشود.

وزارتهای سکتوری به خصوص اقتصاد، تجارت، زراعت و مالیه از جمله ادارات بی کفایت، و بی برنامه علمی و فاقد اهداف استراتژیک انکشافی اند و برای تضعیف و توقف روند گسترده فقر و کمبود مواد غذایی اولیه هیچ گونه نشانه یی در برنامه های کاری آنها دیده نمیشود.

بحران ساختاری و شیوه نا کار آمد منجمنت ماموریت دولتی، توانایی ظرفیت سازی را در اداره دولت زایل ساخته، سیستم اداره معیوب مانع جذب و بکار گیری مؤثر و اقتصادی میلیونها دالر مساعدتهای جهانی و کمک های بشری گردیده است، اغلب وزارتهای سکتوری حتی ظرفیت مصرف بودجه های منظور شده خویش را ندارند. همین

اکنون قیمت گندم و آرد به صورت اوسط در مقایسه با دو سال قبل سه برابر صعود نموده است، اکثریت مردم قدرت خرید خود را از دست داده اند. قیمت یک بوری آرد گندم صد کیلویی در شهر کابل اکنون ۴۲۰۰ افغانی است. در حالیکه بیشتر از نصف نفوس کشور زیر خط فقر قرار دارند.

واقعیت این است که حل مسأله فقر و گرسنه گی به عنوان یک معضل اساسی، دامنگیر مردم بوده، نسبت به هر مسأله دیگر در جامعه افغانی از اولویت بر خوردار میباشد.

ما بار دیگر هشدار میدهیم که، در صورت نه رسیدن کمکها و مساعدتهای بموقع و عدم پرداخت "تادیات اضافی" و توزیع آن به نیازمندان واقعی از جانب جامعه جهانی، ملیونها انسان نیازمند و فقیر کشور که در خطر تهدید مرگ قرار دارند زنده گی خویش را از دست خواهند داد. باید اقدامات عاجل دولت و نهاد های جهانی از رسانیدن فوری مواد غذایی و مساعدت های بشری به نیازمندان، فراتر رود و تأمین مواد غذایی فردا برای فقیران و گرسنه گان نیز در دستور کار روزمره گی آنها قرار گیرد.

(اداره دولت افغانستان تعداد نیازمندان ها و فقیرها را که در خطر تهدید مرگ قرار دارند ۲،۵ میلیون نفر گزارش داده اند ولی تعداد واقعی آن به مراتب بلند تر از این رقم است).

"الستر مک کنجی" مدیر امور کشور های آسیب پذیر و مسئول برنامه های بانک جهانی در افغانستان، در مصاحبه اخیر خود با "بی بی سی" (۴ جون ۲۰۰۸) "ضمن تأیید نیاز افغانستان به دریافت کمک های عاجل و اضطراری بیشتر، گفته است که "در مورد کارآیی نحوه استفاده از این کمک ها سوالات اساسی وجود دارد، باید بهبود در نحوه ارایه خدمات در اولویت قرار گیرد".

گرچه انتظار میرفت که آقای کرزی، در اجلاس پاریس از جامعه جهانی بخواهد حدود پنجاه میلیارد دالر برای افغانستان در خلال پنج سال اختصاص دهند، ولی ادامه گسترش فساد اداری - اقتصادی و غارت و چپاول در دستگاه دولتی و نهاد های تحت حمایت آن، مانع از تمایلات شماری از کمک کننده گان خارجی به اعطای کمکهای بیشتر شده است با آنکه بانک جهانی از سال ۲۰۰۲ بدین سو مطابق گزارشات منتشره از جانب آن نهاد، ظاهراً یک و نیم میلیارد دالر برای اجرای برنامه های خود در افغانستان اختصاص داده

است، ولی مردم افغانستان هیچگونه تغییر قابل ملاحظه‌ی را در بهتر شدن زنده گی اقتصادی خویش لمس نکرده اند.

در فرجام باید گفت: تا زمانی که تغییر بنیادی در نحوه‌ی پرداخت، توزیع و به کارگیری این کمکها به نفع مردم افغانستان صورت نگیرد، دستگاه دولتی به سود مردم متحول نگردد، نظارت و کنترل مردمی بر توزیع و مصرف بمیان نیاید و زمینه های ظهور و حضور نهاد های دموکراتیک مترقی و منسجم متعلق به زحمتکشانشان کشور در وضعیت جاری فراهم نگردد، نمیتوان از مؤثریت اقتصادی این مساعدتها در جهت رفاه و بهبود زنده گی اقتصادی - اجتماعی مردم حرف زد.

منابع:

- گزارش بانک جهانی "افزایش قیمت مواد غذایی." ترجمه: حسین لطیفی -
- " همشهری آنلاین " ۲۰۰۸ افزایش قیمت مواد غذایی، محرک تازه ناآرامیهای اجتماعی.

"-راد یوفردا- فریدون خاوند تحلیلگر اقتصادی."

-صفحات سایت فارسی بی بی سی " اقتصاد و بازرگانی " سال ۲۰۰۸

.-هفته نامه کابل اپریل ۲۰۰۸

-سایت انترنیتی " سازمان خبری اقتصادی ایران"

.سرویس اقتصاد بین المللی، -سال ۲۰۰۸

-گزارش مشرح سازمان مواد غذایی و کشاورزی جهان (فائو " (ابعاد تازه گرانی مواد غذایی در ۳۵ کشور دنیا . "۲۰۰۸

برگرفته از شماره ۳۷ نشریه آینده سال ۲۰۰۸

www.ayenda.org